

شعوبیگری و ضد شعوبیگری

در

ادبیات اسلامی

رسول جعفریان

زمینه بحث

گسترده‌گی حرکت قومگرایی در کشورهای عربی، از موانع عمده اتحاد مسلمانان در عصر حاضر به شمار می‌آید. این امر جز در مقطعی کوتاه، ریشه در تاریخ قوم عرب داشته و خودگرایی آنها همیشه مانع عمده‌ای بر سر راه هر چه فراگیرتر شدن اسلام بوده است. تصور باطل آنان دایره بر اینکه اسلام با قومیت عرب برابر است، سبب تحریک برخی از اقوام دیگر شده و به محض اعتراض آن اقوام، مواجه با تکفیر اعراب و اتهام زندگه شده‌اند. در میان ایرانیان و جز آنها هم کم نبوده‌اند کسانی که بی دلیل از اعراب متنفر بوده‌اند و یا بر پایه اندیشه‌های قومگرایی ایرانی، به نحوی با کلیت اسلام به مقابله برخاسته‌اند. اینان هم به نوبه خود مشکلاتی برای گسترش اندیشه اسلامی فراهم کرده و هنوز هم می‌کنند. مطرح کردن این اندیشه‌ها، در هر نوع و قالبی که باشد، ارزش جاودانی اسلام را در برابر کردن همه اقوام خدشه دار می‌کند. احساس غرور ملی کسانی در تخت جمشید و اظهار نظر این نکته که فارس پایتخت باستانی ماست، در این قبیل اندیشه‌های نادرست ریشه دارد.

تحقیق حاضر مروری است بر کتابشناسی حرکت شعوبیه در دو بخش متون کهن و جدید در زبان فارسی و عربی. همان طور که خواهید دید، حرکت جدید اعراب در تحقیق و تتبع درباره

شعوبیه، بشدت با تعصب عربیگری پیوند خورده و تنها به قصد نشان دادن این نکته است که عجمان هیچگاه ایمان نیاوردند! پاره‌ای از این تحقیقات در طول جنگ عراق علیه ایران نوشته شده و هدف آن ایجاد تشویش در اذهان مسلمانان نسبت به حرکت اسلامخواهی مردم ایران به رهبری امام خمینی -رحمة الله علیه- بوده است.

زمانی که فتوحات اسلامی اوج گرفت، اختلاط نژادهای مختلف، یکی از دشواریهای اصلی جامعه اسلامی شد. قومی فاتح و اقوامی مغلوب حاصل این فتوحات بودند. طبیعی قضیه آن بود که جنگ نژادی بر پا شده و این اقوام به مقابله با یکدیگر برخیزند؛ اما اسلام چنان در میان مردم روحیه اخوت ایجاد کرد که به مقدار زیادی آثار اختلاط نژادی را از میان برد. با این همه طبیعی بود که وجود نژادهای مختلف سبب بروز درگیریهای چندی بشود؛ بویژه اینکه به شهادت تاریخ، امویان با تعصب



مسأله حکایت دارد که فردی که در کار مثالب نویسی سماجت می کرده، اثری نیز در رد بر شعوبیه دارد. دربارهٔ زیاد بن ابیه هم گفته شده که به دلیل طعنی که در نسب او زده شد، دستور داد تا کتابی در مثالب عرب نگاشته شود؛ این در حالی است که خود او عرب بود، گرچه پدرش مشخص نبود. ابن ندیم دربارهٔ او نوشته است: اول من ألف فی المثالب کتاباً، زیاد بن ابیه فانه لما طعن علیه وعلی نَسَبه عمل ذلک ورفعه الی ولده و قال: استظهر وابه علی العرب فانهم یکفون عنکم.^۲ شاهد دیگر آنکه خود جاحظ با داشتن نگرش ضد شعوبی، کتابی در رد قحطانیها و فضیلت عدنانیها نوشته است.^۳

با این حال باید گفت این قبیل آثار در مثالب، اگر به طور مستقیم در خط شعوبیگری نباشد، می توانسته مأخذی برای شعوبیان باشد.

اصطلاح دیگر، المنافره است. این به معنای تقابل دو قبیله، اهالی دو شهر، یا دو نژاد است. در این موارد نیز اگر مطمئن باشیم که مقصود از نامی که به رساله ای داده شده و از آن با المنافره یاد شده، منافرت میان دو نژاد است، در آن صورت چنین کتابی یا رساله ای را باید در ردیف آثار شعوبیگری قرار داد. اکنون به نقل آثار تألیف شده در این زمینه می پردازیم:

۱- **المیدان فی المثالب**، علان بن حسن شعوبی. ابن ندیم از این اثر یاد کرده و بتفصیل از آثار وی در یاد از مثالب قبایل عربی سخن گفته است. بروکلیمان نام کتاب وی را حلبة المثالب نامیده است.^۴ ابن ندیم اثر مزبور را این گونه وصف کرده: الذی هتک فیه العرب وأظهر مثالبها. کتاب الميدان او، در برگیرندهٔ مثالب و زشتیهای قبایل مختلف بوده و از لحاظ تقسیم بندی داخلی، براساس قبایل تقسیم شده بوده است. به عنوان مثال، مثالب قریش، که خود شامل مثالب تیره های داخلی قریش، نظیر تیم بن مرة، بنی اسد بن عبدالعزی، بنی مخزوم و جز آنها می شده است. یاقوت نوشته است که این کتاب از بنی هاشم آغاز شده و قبیله به قبیله ادامه یافته تا پایان قبایل عربی آن هم براساس کتاب کلی.^۵ از کتاب الميدان علان شعوبی، تا آنجا که سزگین یاد کرده، تنها چند صفحه ای در اغانی (ج ۱۴، ص ۸۷، ۸۸، ۸۹ از چاپ دارالکتب) باقی مانده است.^۶ از قطعات

عربیگری خود سنگ بنای این نزاعها را استوار ساختند. حاصل این نزاعها در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و ادبی و در نهایت سیاسی، از مسائلی است که توجه محققان را به خود جلب کرده است. در اینجا بنای آن داریم تا در دو بخش مروری بر آثار شعوبیان داشته باشیم: بخش نخست دربارهٔ آثار کهن، چه از شعوبیان و چه مخالفان آنها. بخش دوم دربارهٔ تحقیقات جدیدی که در این زمینه نگاشته شده است.

۱- متون کهن

از میان متون مربوط به جریان شعوبیگری، موافق و مخالف، آثار اندکی به صورت پراکنده باقی مانده است. در اینجا ابتدا آثاری که به نفع شعوبیگری نوشته شده، فهرست کرده و سپس به آثاری که در رد بر شعوبیه نگاشته شده می پردازیم.

الف: آثار شعوبیان

پیش از یاد از آثار و اسامی آنها تذکر دو نکته مفید می نماید: نخست آنکه علی رغم کثرت تألیفات شعوبیان، اکثر قریب به اتفاق آثار آنها از میان رفته و جز نقلهای محدود، چیزی از آنها برجای نمانده است. احمد امین نوشته است که دلیل این اقدام آن است که مسلمانان، آنها را آثار ضد اسلامی تلقی کرده، از نقل و کتابت آنها خودداری کرده و تقریباً الی الله آنها را از بین می برده اند.^۱ به نظر می رسد که در کنار این نکته، نباید غفلت کرد که اغلب آثار شعوبیان رساله های کوچکی بوده که در قرن دوم و سوم تألیف شده و مشابه آنها هزاران رساله در موضوعات مختلف وجود داشته که از بین رفته است. نگاهی به مؤلفاتی که ابن ندیم در هر موضوع آورده و مقایسه اسامی آنها با آنچه برجای مانده نشان می دهد که دلیل از بین رفتن آثار شعوبیان، همان دلیلی است که سبب از بین رفتن دیگر آثار شده است؛ گرچه به هر روی ممکن است در اینجا دلیل دیگری، مانند آنچه احمد امین یاد کرده، هم در کار باشد.

نکتهٔ دوم آنکه یکی از اصطلاحهای ویژهٔ شعوبیه از نظر برخورد منفی با قبایل عربی، مفهوم مثالب است که اگر در ادامهٔ این نام، سخنی از قبیله ای خاص یا نژادی باشد، به معنای نقل مساوی و زشتیهای آن قبیله یا نژاد است. با این حال صرف نهادن نام کتاب المثالب بر اثری، دلیل بر شعوبیگری مؤلف آن نیست، بلکه ممکن است اولاً از سوی قبیله ای بر ضد قبیلهٔ دیگر باشد، ثانیاً به دلایل دیگری جز شعوبیگری کتابی در مثالب قبایل عربی تألیف شده باشد. یک نمونه که در ادامه یاد خواهیم کرد، از این

۱. ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۷۰.

۲. الفهرست، ابن ندیم، (چاپ تجدید) ص ۱۰۱.

۳. الحیوان، ج ۱، ص ۴-۵.

۴. تاریخ الادب العربی، بروکلیمان، ج ۳، ص ۳۵.

۵. معجم الادیاء، (دارالفکر) ج ۱۲، ص ۱۹۱.

۶. تاریخ التراث العربی، التدوین التاريخی، ص ۵۷.

یاد شده چنین به دست می آید که وی متدین به دین اسلام بوده است.

از وی کتابی هم با عنوان کتاب المنافره یاد شده که با توجه به مبانی فکری او باید در حول و حوش مباحث شعوبیگری باشد. در عین حال گفتنی است که کتابهایی در فضایل برخی از قبایل عربی هم داشته است؛ از جمله: فضائل کنانه و فضائل ربیعیه. یاد از این نکته مناسب است که ابن ندیم در شرح حال ابو عبیده، سطری از علان شعوبی در نسب ابو عبیده نقل کرده است.^۷

۲- **مثالب العرب**. این اثر از هشام بن محمد بن سائب کلیبی است. وی از راویان برجسته اخبار تاریخی و نسب شناسان معروف دنیای اسلام است. ابن ندیم از این اثر یاد کرده^۸ و بنا به نقل سزگین چند نسخه از کتاب مثالب العرب وی موجود است که به چاپ نرسیده است. نقلهایی از آن در کتاب الاصابه ابن حجر موجود است که عبارتند از: ۶۳۶/۱، ۷۱۸/۲، ۹۵۰/۳، ۱۲۹۸، ۱۷۷/۴، ۹۳۰.

گفته شده که محمد بهجه اثری، کتابی با عنوان الرد علی الشعوبیه و نقض مثالب العرب لابن کلیبی نوشته که تاکنون به چاپ نرسیده است.^۹

۳- **فضل المعجم علی العرب**. به نقل ابن ندیم، این اثر از اسحاق بن سلمه است. درباره وی گفته شده است: فارسی کاتب.^{۱۰}

۴- **انتصاف المعجم من العرب**. نام دیگر این کتاب، کتاب التسویه است. مؤلف آن، سعید بن حمید البختکان است که با عناوین «کاتب شاعر مترسل و عذب الالفاظ مقدم فی صناعته» ستوده شده است. درباره او گفته شده: کان من اولاد ملوک فرس.^{۱۱}

۵- **فضل العرب علی المعجم**، از احمد بن ابی طاهر طیفور (۲۰۴-۲۸۰). وی از ابناء خراسان دانسته شده و از شعرا و ادبای بنام بوده است.^{۱۲} در میان چند اثر برجای مانده وی، یادی از این اثر دیده نمی شود.^{۱۳}

۶- **فی بعض الثنویه (خ. ل: التسویه) بین الشعوبیه**،^{۱۴} از محمد بن عبدالله بن غالب اصفهانی، معروف به باح. متأسفانه از نام کتاب هم چیزی درستی دانسته نیست، بویژه که نسخه بدلی نیز دارد که کار را فهم موضوع دقیق کتاب را سخت تر می کند. به نقل ابن ندیم، وی نیز از ادیبان و کاتبان بوده است.^{۱۵}

۷- **کتاب المثالب**، از ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۱۴-۲۱۰ یا ۲۱۱). وی یکی از برجسته ترین ادیبان و لغت شناسان زمان خویش است که به عنوان فردی متخصص در اخبار عرب و انساب شناخته می شود. وی متهم به بسیاری از اتهامات

مذهبی، از جمله خار جیگری، بود و زمانی هم که مرد، هیچکس، و هرکس به دلیلی، به تشییع جنازه وی حاضر نشده است. ابن ندیم گفته است: وعمل کتاب المثالب الذی کان یطعن فیہ علی بعض اسباب (شاید: اصحاب) النبی (ص).^{۱۶} یاقوت نیز از مثالب العرب او یاد کرده است.^{۱۷} وی آثار فراوانی درباره «عرب» نوشته که به احتمال مسائل شعوبیگری می توانسته در آنها باشد؛ از جمله: کتاب المنافرات، کتاب مثالب باهله، کتاب ادعیاء العرب، کتاب لصوص العرب. یک اثر نیز با عنوان فضائل الفرس^{۱۸} نوشته است که آن را هم باید در ردیف همین آثار دانست.

مسعودی مورخ درباره مثالب العرب او نوشته است: یذکر فیہ انساب العرب وفسادها ویرمیهم بما لیس فی السیاسة ذکره ولایحسن وصفه.^{۱۹} بخشهایی از مطالب کتاب وی در معجم الادباء ج ۱۹، ص ۱۵۶، خزانه الادب، ج ۲، ص ۲۲۲، ۵۱۹ و الامالی ابو علی قالی، ج ۳، آمده است.

۸- **کتاب المثالب**، از هیشم بن عدی (م ۲۰۷). وی از مورخان مشهور نیمه دوم قرن دوم هجری است که کتابهای فراوانی درباره تاریخ عرب و اسلام نگاشته است. در ضمن تألیفات وی، چند کتاب با این عنوان آمده است: کتاب المثالب، کتاب المثالب الصغیر، کتاب المثالب الکبیر، کتاب مثالب ربیعیه. و کتابی با عنوان کتاب من تزوج من الموالی فی العرب. جالب آنکه ابن ندیم گفته است: وكان یطعن فی نسبه.^{۲۰} و گفتنی است که نویسندگان عرب درباره ابو عبیده و هیشم بن عدی، که کتاب مثالب نوشته اند، ادعا کرده اند که نسبشان شناخته شده نیست! این باید نوعی مقابله به مثل باشد. قطعاتی از این کتاب در

۷. الفهرست، ص ۵۹.

۸. همان، ص ۱۰۸.

۹. شعراء العراق المعاصرون، ج ۱، ص ۱۰۲.

۱۰. الفهرست، ص ۱۴۲.

۱۱. همان، ص ۱۳۷.

۱۲. همان، ص ۱۶۳-۱۶۴.

۱۳. تاریخ التراث العربی، التدوین تاریخی، ص ۲۱۷-۲۱۵.

۱۴. قبل از این عنوان از کتاب التوضیح والترشیخ یاد شده، سپس ویرگول گذاشته شده و عنوان فی بعض... آمده است. ممکن است که این دو یک کتاب باشد؟

۱۵. الفهرست، ص ۱۵۱.

۱۶. همان، ص ۵۹.

۱۷. معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۱۶۲.

۱۸. معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۱۶۲؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۵۹.

۱۹. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۶.

۲۰. الفهرست، ص ۱۱۲.



شده و یا حداقل به نحوی می‌تواند متونی را در خود جای داده باشد که در راه شناخت این جریان مفید افتد. کتابهایی را نیز که در رد بر شعوبیه نگاشته شده در اینجا می‌آوریم. همچنین از آثاری که از نام آنها گرایش خاص آنها در طرفداری از یک جناح مشخص نیست، اما در اصل مربوط به این مباحث است، در اینجا یاد می‌کنیم.

جاحظ و شعوبیه

جاحظ در شمار معدود کسانی است که در آثار خود آگاهی‌هایی درباره شعوبیه به دست داده است. هیچ جای چون و چرا نیست که جاحظ در نگاشته‌های خود تذبذب عجیبی داشته و در دفاع از هر اندیشه و یا رد آن، تقریباً مانند یک سوفسطایی موضع‌گیری می‌کند. وی هم العثمانیه را در دفاع از تسنن افراطی می‌نویسد و هم در رد نابتة سخن می‌گوید و در برتری بنی هاشم مطالب می‌نویسد. او درباره شعوبیه موضع تندی داشته و آشکارا از در مخالفت درمی‌آید. جاحظ شعوبیگری را مدخل زندگه دانسته و نوشته است که تردید در اسلام از شعوبیگری آغاز می‌شود. استدلال او هم این است که وقتی کسی با اهل اسلام، یعنی عرب، دشمن شد، با خود اسلام هم دشمنی می‌کند. وقتی کسی با این لغت، یعنی عربی، دشمنی کرد، با جزیره العرب دشمنی کرده، و کسی که کینه این جزیره را به دل گرفت، کینه و رزان به این جزیره را دوست خواهد داشت و این تا به آنجا می‌رسد که از اسلام جدا شود، چرا که به هر حال عرب بوده که اسلام را آورده و پیشگام این امر بوده است.^{۲۸}

وی در مقدمه الحیوان به برخی از آثار خود در این زمینه اشاره کرده است. از جمله خطاب به کسی که آن کتاب را برای او نگاشته، از آثار ضد شعوبی خود چنین یاد می‌کند:

وعبتی بكتاب القحطانية وكتاب العدنانية فی الرد علی القحطانية وزعمت أني تجاوزت فيه حد الحمية الی حد العصية وانی لم أصل الی تفضیل العدنانية الا بتقص القحطانية

۲۱. تاریخ التراث العربی، التّدوین التّاریخی، ص ۵۶.

۲۲. تاریخ الادب العربی، ج ۳، ص ۳۴.

۲۳. تاریخ التراث العربی، التّدوین التّاریخی، ص ۵۹.

۲۴. الفهرست، ص ۱۲۴.

۲۵. الحیوان، ج ۴، ص ۴۴۸. در پاورقی از امالی سید مرتضی نقل کرده که در انتهای عبارت فوق آورده است: و اخذ منه مالا.

۲۶. انباه الرواة، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲۷. بلوغ الارب، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲۸. الحیوان، ج ۷، ص ۲۲۰، به نقل از تاریخ الادب العربی، عصر الدول والامارات الاندلس، ص ۱۰۰، ۱۰۱.

الاغانی، ج ۱، ص ۱۴-۱۲ (چاپ ساسی)، الاصابه، ج ۱، ص ۶۳۶ آمده است.^{۲۱} بروکلیمان نوشته است که نسخه‌ای از این کتاب همراه نسخه کتاب مثالب العرب کلی، نزد مستشرق کرنگور سالم الکرنگوری موجود بوده است. او افزوده که احتمالاً این قسمت از کتاب موفقیات زبیر بن بکار است.^{۲۲} سزگین از این نسخه اظهار بی‌اطلاعی کرده است.^{۲۳}

۹- کتاب المثالب، از احمد بن حمد جهمی. وی از طایفه بنی عدی بن کعب و حجازی است که به عراق رفته است. به نظر چنین می‌آید که به کار بیان مثالب قبایل عربی می‌پرداخته است. از جمله زمانی، به خاطر او میان عمری‌ها و عثمانی‌ها درگیری پیش آمد. یکی از بنی هاشم خشنود شد، و او مطلب زشتی را درباره عباس بن عبدالمطلب گفت. خبر به متوکل رسید و دستور داد تا صد ضربه شلاق به او زدند. به جز کتاب المثالب، کتابی در فضائل مُضَرّ نوشته است. این کتاب به تبع درگیری‌های طایفه‌ای میان مضرّی‌ها و یمنی‌ها نگاشته شده است. با این حال، اثری نیز با عنوان الانتصار فی الرد علی الشعوبیه داشته است.^{۲۴}

از این عناوین بظاهر دوگانه، چنین به دست می‌آید که نگاشتن کتاب در مثالب، لزوماً به معنای شعوبیگری نیست، گرچه ما دلیل یاد از این قبیل آثار را در این بخش، در ابتدای این بحث آوردیم.

۱۰- مثالب العرب، از یونس بن هارون. جاحظ نوشته است: وقد کان کتب کتابا لملک الروم فی مثالب العرب بزعمه.^{۲۵}

۱۱- الموازنة بین العربی والمجمعی. از حمزة بن الحسن الاصفهانی. گفته شده که وی این کتاب را به نام عضدالدوله دیلمی نگاشته است.^{۲۶}

۱۲- المثالب والمناب. آکوسی درباره این کتاب نوشته است: کتابی که اکنون با نام مثالب و مناقب در دست مردم است، از نصر بن شمیم حمیری و خالد بن سلمه مخزومی است که نسب شناس‌ترین افراد زمان خود بودند. هشام بن عبدالمملک به آنها دستور داد تا به کار تألیف این کتاب درباره قبایل عربی بپردازند، اما به قریش کاری نداشته باشند.^{۲۷} درباره آثار شعوبیگری و ضد شعوبیگری در ادبیات شیعه در ادامه سخن خواهیم گفت.

ب: آثار ضد شعوبی

اکنون به بیان کتابهایی که در فضیلت عرب نوشته شده است می‌پردازیم. این کتابها یا مستقیم در برابر جریان شعوبیه نگاشته

وعبتی ب:

۱۲- کتاب العرب والموالی وزعمت أنى بخست الموالی حقوقهم كما أنى اعطيت العرب ماليس لهم . وعبتی ب:

۱۴- کتاب العرب والمعجم وزعمت أن القول فى فرق ما بين العرب والمعجم هو القول فى فرق ما بين العرب والمعجم^{۲۹}.

ابن ندیم از کتاب التوسیة بین العرب والمعجم او یاد کرده^{۳۰} که قاعدتاً باید یکی از این دو کتاب باشد. از دو اثر فوق به طور مشخص چیزی بر جای نمانده، اما او در چند مورد در آثار دیگر خود در این باره سخن گفته است. در این باره گفته اند:

کتاب الشعوبیه جاحظ نوع مطالبش در البخلاء والبیان والتبیین والحویان باقی مانده است ... در البخلاء می نویسد:

«الشعوبیة والازاد مردیة ... تزید فی خشونة عیشهم وخشونة ملبسهم وتنقص من نعیمهم ورفاغة عیشهم ...» یعنی شعوبیه و

آزاد مردان ... در ناهمواری زندگانی و زبری لباس و بدی خوراک و عدم رفاهیت و فقدان تنعم عرب مبالغه کرده اند ... در

البیان والتبیین دو بخش هست تحت عنوان کتاب العصا که جاحظ در آن نظر تحقیر و تمسخر ایرانیان به عربها را - که هنگام

خطبه عصا در دست می گرفتند - مورد تعریض قرار می دهد و در فضایل عصا به تفصیل سخن می راند ... که این مطالب هم از

مطالب کتاب الشعوبیة بوده است. در الحویان مفاخره صاحب انکلب و صاحب اللدیک - که بیش از یک جزء را فرا گرفته است -

در واقع رمزی است از مناظره عرب که چادر نشین است و صاحب سگ و عجم که آبادی نشین است و صاحب خروس ...

و بسا که نوع مطالب مناظره مزبور که در کتاب الشعوبیة ذکر شده بوده است.^{۳۱}

افزون بر آنچه گذشت، باید اشاره کرد که جاحظ در رساله فی الثابتة^{۳۲} هم فصلی درباره شعوبیه نگاشته است. در آنجا

می گوید: وقد کتبت کتابا فی مفاخره قحطان و فی تفضیل عدنان و فی رد الموالی الی مکانهم فی الفضل والنقص والی قدر ما جعل الله تعالی بهم بالعرب من الشرف.

ابن قتیبه و شعوبیه

۱۵- فضل العرب والتبیین علی علومه، از عبدالله بن مسلم بن قتیبه الدینوری (م ۲۷۰). وی عالمی مشهور از قرن سوم هجری

است و چون مدتی قاضی دینور بوده به دینوری شهرت یافته است. این کتاب وی که یکی از متون بازمانده از جریان

ضد شعوبی است، با عنوان کتاب العرب او الرد علی الشعوبیه در مجموعه رسائل البلغاء چاپ شده است.^{۳۳} ابن ندیم از این

کتاب با عنوان کتاب التوسیة بین العرب والمعجم یاد کرده

است.^{۳۴} ابن عبدربه، آن را تفضیل العرب،^{۳۵} بیرونی آن را تفضیل العرب علی المعجم^{۳۶} و ابن فرحون آن را العرب والمعجم^{۳۷} نامیده است.

عنوانی که ما انتخاب کردیم، نامی است متناسب با کتاب که خود ابن قتیبه در کتاب غریب الحدیث برای آن یاد کرده است.^{۳۸}

وی در الشعر والشعراء و عیون الاخبار^{۳۹} نیز همین نام را برای کتاب خود آورده است. چند نسخه خطی از این کتاب در

کتابخانه دارالکتب مصر و نیز مجموعه های شخصی باقی مانده است. ابتدا جمال الدین قاسمی بخشهایی از آن را در مجله

المقتبس، مجلد چهارم، ص ۶۶۸-۶۵۷، ۷۲۱-۷۲۵ چاپ کرد. بعد از آن محمد کرد علی در رسائل البلغاء (چاپ ۱۹۱۳،

ص ۲۹۵-۲۶۹ و طبع ۱۹۵۴، ص ۳۷۷-۳۴۵) چاپ کرد.

اختلافاتی میان آنچه از کتاب ابن قتیبه در آثار ابن عبدربه و بیرونی آمده با نسخه چاپی وجود دارد و این سبب شده است تا

گفته شود که اصل کتاب به طور کامل به دست ما نرسیده است. در این باره دیدگاههای دیگری نیز عنوان شده است.^{۴۰} عکاشه

نوشته است که تنها قسمتی از رساله در المقتبس و رسائل البلغاء چاپ شده است.^{۴۱} متنی را که کرد علی چاپ کرده، عبدالله

جبوری نیز در پایان کتاب ابن قتیبه و الشعوبیه، بدون کم و زیاد، چاپ کرده است.

۱۶- الانتصار فی الرد علی الشعوبیه، از احمد بن محمد بن حمید جهمی، پیش از این به کتاب مثالب او اشاره کردیم. آثار

وی، و از جمله همین انتصار، را ابن ندیم یاد کرده است.^{۴۲}

۲۹. الحویان، ج ۱، ص ۵.

۳۰. الفهرست، ص ۲۱۱.

۳۱. زندگی و آثار جاحظ، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۹۲-۹۳.

۳۲. رسائل الجاحظ، الرسائل الکلامیة، تحقیق ابوملحم، ص ۲۴۷، ۲۴۸.

۳۳. رسائل البلغاء، به کوشش محمد کرد علی، ص ۳۷۷-۳۴۴.

۳۴. الفهرست، ص ۸۶.

۳۵. العقد القرید، ج ۳، ص ۴۱۱، ۴۰۸.

۳۶. الاثار الباقیه، ص ۲۳۸.

۳۷. الدیاج المذاهب، ج ۳، ص ۲۷۲.

۳۸. به این مطلب در مقدمه چاپ رساله در رسائل البلغاء تصریح شده است.

۳۹. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۸۵. در آنجا گفته است که در کتاب العرب باب خاصی را به شعر اختصاص داده است.

۴۰. ر. ک: تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۶.

۴۱. المعارف، مقدمه، ص ۵۲.

۴۲. الفهرست، ص ۱۲۴.



آثار دیگر

- ۱۷- کتاب *مفاخرة العرب ومفاخرة القبائل فی النسب*، از عمر بن مطرف کاتب. وی عرب و از قبیلہ بنی عبدالقیس است. ابن ندیم از این کتاب وی یاد کرده است.^{۴۳}
- ۱۸- *مفاخرة العرب والمعجم*.^{۴۴}
- ۱۹- ابو حیان توحیدی هم در کتاب *الامتع والموانسة* بخشی را به رد جیهانی، که مطالبی در ملامت عرب دارد، آورده است.

شعوبیگری و ضد شعوبیگری در ادبیات شیعه

- ۲۰- *مثالب القبائل*، از احمد بن ابراهیم بن معلی. وی از طایفه بنی تمیم است که به فارس منتقل شدند. آثاری در تاریخ دارد و در شمار آن دسته از رجال شیعی است که مورخ و راوی اخبار روات عامه هستند. نجاشی با یاد از وی نوشته است: کتاب *مثالب القبائل*، علی ماحکی لم یجمع مثله.^{۴۵}
- ۲۱- *کتاب الواحدة فی مثالب العرب ومناقبها*، از دعبل بن علی بن رزین خزاعی شاعر مشهور شیعی. این اثر، چنانکه از نامش برمی آید، مشتمل بر مثالب و مناقب عرب است.^{۴۶}
- ۲۲- *کتاب النواقل من العرب*، از محمد بن سلمه بن اربیل یشکری. وی از ادیبان عرب و از مشایخ ابن سکیت است. نجاشی پس از یاد از این کتاب افزوده است: وهو کتاب *المثالب*.^{۴۷}
- ۲۳- *کتاب فضل الموالی*، از ابو محمد سهل بن زاذویه قمی. از نام پدر او چنین معلوم می شود که ایرانی بوده است. نجاشی وی را توثیق کرده و جز این کتاب، کتاب دیگری با عنوان *الرد علی مبعضی آل محمد* از وی شناسانده است. نام کتاب که در فضائل موالی است، لزوماً به معنای شعوبیگری نیست؛ بلکه ممکن است نقل احادیثی باشد که به نحوی درباره موالی نقل شده بوده است. با این حال در مجموع می توان از آن به عنوان مأخذی برای شناخت جریان شعوبیگری بهره برد.
- ۲۴- *کتاب الموالی الاشراف وطبقاتهم*، از محمد بن عمر بن محمد تمیمی جعابی. نجاشی وی را از حفاظ حدیث و اجدلی اهل علم دانسته است. وی تألیفاتی در تاریخ و حدیث داشته که از جمله آنها همین کتاب الموالی اوست.^{۴۸} وی خود عرب تمیمی است. طوسی از این کتاب تنها با عنوان کتاب الموالی یاد کرده است.^{۴۹}
- ۲۵- *کتاب التسویه*، از احمد بن داود بن سعید فزاری، معروف به ابویحیی جرجانی. وی از سنیان اهل حدیث بوده که به تشیع گروید و آثاری در رد بر سنیان نگاشت. یکی از آثار او

همین کتاب التسویه است که با توجه به به کار بردن اصطلاح تسویه، می تواند مربوط به مباحث شعوبیگری باشد. شیخ طوسی در ادامه نام کتاب آورده است: *بین فیه خطاء من حرم تزویج العرب فی الموالی*.^{۵۰} در توضیح نجاشی از کشی، آمده است: کتاب التسویه فیه خطاء ابن جریج فنی تزویج العرب من الموالی.^{۵۱}

اما آثار ضد شعوبیگری در منابع شیعه عبارتند از:

- ۲۶- *فضائل العرب*،^{۵۲} از احمد بن محمد بن عیسی اشعری. وی از عالمان برجسته شیعی و رئیس شیعیان قم در زمان خویش بوده است. دانسته است که وی از اعراب مهاجر به قم است و تشیع این شهر، در میان همین خاندان بوده است. وی در مورد دیگری نیز در جریان امامت امام هادی- علیه السلام- بر آن بود تا اقتضای شهادت به این امر نصیب یک عرب باشد، نه یک عجم.^{۵۳} این گرایش، یکی از بهترین دلایل بر نشانه بی ارتباطی تشیع با جریان شعوبیگری است. به موارد بعدی نیز توجه کنید.
- ۲۷- *فضل العرب*، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری. وی از نویسندگان برجسته شیعی است. نجاشی از این کتاب او یاد کرده است.^{۵۴}
- ۲۸- *فضل العرب*، از عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک حمیری قمی. از وی با عنوان شیخ القمیین و وجهم یاد شده و آمده است که وی در سال دویست و نود و اندی وارد کوفه شد. در شمار کتابهای وی، از کتاب *فضل العرب* او نیز یاد شده است.^{۵۵}
- ۲۹- *فضل العرب*، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران
-
۴۳. الفهرست، ص ۱۴۱.
۴۴. در فهرست نام کتابها در انتهای الفهرست ابن ندیم از این کتاب یاد شده و محل آن در کتاب صفحه ۱۶۷ یاد شده است که نیافتم. باید چاپ دیگری ملاحظه و مؤلف آن شناخته شود.
۴۵. رجال النجاشی، ص ۹۶، ش ۲۳۹.
۴۶. رجال النجاشی، ص ۱۶۲، در الفهرست ابن ندیم، ص ۱۸۳ تنها از عنوان الواحدة یاد شده است.
۴۷. رجال النجاشی، ص ۳۳۳.
۴۸. همان، ص ۳۹۵، ش ۱۰۵۵.
۴۹. فهرست طوسی، ص ۱۵۱.
۵۰. همان، ص ۳۴.
۵۱. رجال النجاشی، ص ۳۴.
۵۲. همان، ص ۸۲، ش ۱۹۸.
۵۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۴.
۵۴. رجال النجاشی، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷.
۵۵. همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳؛ فهرست طوسی، ص ۱۰۲.

اهل الدين الملیث وعبادة الاوثان. وی به این نکته نیز توجه داده که عربها نباید وجود پیامبر - صلی اللہ علیہ الہ - را مایه فخر و مباهات خود بدانند، چرا که خداوند «یحیی الحی من المیت» و این یک استثناست. او اصرار دارد تا بر تدین و تقوا تکیه کند و بر آن است تا بر اسلامیت خود تأکید کند تا به زندقه متهم نشود.

در مجموعه ای که رساله ابن غرسیه در آن آمده است و در کتابخانه اسکواریال نگاهداری می شود، چهار ردیه نیز بر رساله ابن غرسیه موجود است. این رساله ها عبارتند از:

۳۲- ردی یحیی بن مسعدة علی ابن غرسیه. این اثر مفصلترین ردیه بر رساله ابن غرسیه است.

۳۳- رساله ثانیة فی الرد علی ابن غرسیه. عبدالسلام هارون احتمال داده که مؤلف این رساله نیز همان ابویحیی بن مسعدة باشد.

۳۴- ردی جمفر أحمد بن الدودین. این نویسنده نیز در نیمه دوم قرن پنجم می زیسته است.

۳۵- ردی الطیب بن من الله القروی. وی نیز متوفای سال ۴۹۳ هجری است.

مجموعه این چند رساله غنی ترین مطالب را درباره دیدگاههای شعویان اندلسی به دست داده و جالب آنکه در شرق اسلامی چنین میراثی باقی نمانده است. متن کامل این رساله ها را عبدالسلام هارون در نوادر المخطوطات، جلد اول، ص ۲۲۹-۳۳۰ چاپ کرده است. افزون بر این چهار ردیه، چندین رد دیگر نیز بر رساله ابن غرسیه نوشته شده که تنها اسامی آنها باقی است و عبارتند از:

۳۶- رساله الاستدلال بالحق فی تفصیل العرب علی جمیع الخلق والذب والانتصار لصفوة الله من المهاجرین والانتصار، از ابو مروان عبدالملک بن محمد الوسی.

۳۷- خطف البارق و قذف المارق فی الرد علی ابن غرسیه الفاسق فی تفصیله المعجم علی العرب وقرعه التبع بالغرب، از ابو عبدالله محمد بن ابی الخصال الغافقی که رساله خود را در سال ۵۲۸ هجری تألیف کرده است.

۵۶. فهرست طوسی، ص ۱۴۴.

۵۷. همان، ص ۹۶.

۵۸. رجال النجاشی، ص ۲۶۵.

۵۹. تاریخ الادب العربی، عصر الدول والامارات الاندلس، شوقی ضیف، ص ۴۷۵.

۶۰. در عربی: نصاری البشکنس.

۶۱. اگر از ابوطیقا باشد به معنای شعر است و اگر از انولوطیقا باشد معنایش قیاس و برهان است.

۶۲. نوادر المخطوطات، ج ۲، ص ۲۵۱.

اشعری قمی. این عالم شیعی نیز، مانند قمیهای پیشین، اثری با نام فضل العرب نگاشته است و اثری با عنوان کتاب فضل العربیة والعجمیة.^{۵۶}

۳۰- فضل العرب، از علی بن بلال مهلبی. شیخ طوسی در ضمن آثار او از این کتاب یاد کرده،^{۵۷} در حالی که نجاشی نامی از این کتاب به میان نیاورده است.^{۵۸}

شعوبیگری و ضدشعوبیگری در اندلس

اسناد و رساله های متعددی از جریان شعوبیگری در اندلس و مغرب وجود دارد. شوقی ضیف مدعی است که حرکت شعوبیگری در اندلس، برخلاف شرق، گرایش فردی است نه اجتماعی.^{۵۹} درباره این ادعا باید تحقیق بیشتری صورت گیرد. به هر روی چند رساله ذیل مهمترین و کاملترین متونی است که از شعوبیه باقی مانده است:

۳۱- رساله ابو هارم احمد بن غرسیه. این رساله از لحاظ ادبی فوق العاده زیباست. گلدزیه در ضمن مقاله ای تحت عنوان الشعوبیة عند مسلمی الاندلس آن را شناخته و معرفی کرده است. بعدها نسخه دیگری نیز از آن یافت شده و عبدالسلام هارون آن را چاپ کرده است. وی که در اصل از مسیحیان باسک بوده^{۶۰} و در کنف حمایت ابوالجیش مجاهد عامری می زیسته، رساله خود را در اوایل قرن پنجم هجری تألیف کرده است. مهمترین ویژگی رساله نه صفحه ای ابن غرسیه نثر ادیبانه اوست که در اندلس کم سابقه نیست. ابن غرسیه کوشیده است تا عجمان را - که از نگاه او همان رومیان و بنی الاصفه هستند - بر عرب برتری دهد. او سفیدی چهره عجمان را بر سیاه چرذگی عربان ترجیح داده است. بخشی از بحث او به زندگی اعراب در کنار شتر و گوسفند اختصاص داده شده و اینکه قیصرها و کسراها در پناه شمشیر و نیزه زندگی می کرده اند. وی مقایسه ای نیز میان هاجر، مادر عرب، با سرور او ساره، مادر عجم، کرده است (أمکم لامنا کانت أمة: مادر شما، کنیز مادر ما بوده است). دانش عجمان در برابر جهل اعراب مورد توجه وی قرار گرفته است. وی درباره عجمان گوید: حلّم علم، ذووا الآراء الفلسفیه الأرضیة والعلوم المنطقیة الریاضیة، کحمله الأسترلومیقی [علم نجوم] والموسیقی، والکلمة بالأرتماطیقی [علم عدد و حساب] والجومطریقی [هندسه] والقومة بالألوطیقی^{۶۱} والبوطیقی [شعر].^{۶۲}

وی به اکتفای اعراب در لذات دنیوی به امر شهوت و شراب پرداخته و اینکه عجمان به لباس و غذا هم توجه دارند. او حتی به پیشینه مسیحی خود در برابر بت پرستی اعراب جاهلی افتخار کرده است: اما نحن فمّن أهل التّلیث وعبادة الصّلبان وأنتم من



۳۸- رد ابی محمد عبدالمنعم بن محمد بن عبدالرحیم الخزرجی الغرناطی، متوفای ۵۹۷. برای رساله وی عنوان ویژه‌ای یاد نشده است.

۳۹- رد عبدالحق بن خلف بن مفرج.^{۶۳}

۴۰- الاستظهار والمغالبة علی من انکر فضل الصقالبة. این کتاب پیش از رساله ابن غرسیه تألیف شده است.^{۶۴}

درباره شعوبیگری در اندلس اشاره به شورش عمر بن حفصون هم می‌توان کرد. ابن عذاری درباره او گفته است: «فلما ثار وجد من الناس انقياداً وقبولاً للمشاکلة والموافقة، فتألبت له الدنيا ودخل الی الناس من جهة الالفه وقال: طال ما عنت علیکم السلطان وانتزع أموالکم وحملکم فوق طاقتکم وأذلتکم العرب واستعبدتکم وإنما أريد أن أقوم بشأركم وأخرجکم من عبودیتکم.»^{۶۵}

۲- متون جدید

در سده گذشته، تحقیقات جدیدی درباره شعوبیه صورت گرفته است که شماری به خامه مستشرقان، بیشتر به قلم اعراب عراقی، و چندی نیز کار محققان ایرانی بوده است. در اینجا فهرستی از این کتابها ارائه می‌کنیم، اما درباره این آثار چند نکته را باید یادآوری کرد:

۱- در آثار جدید بحث از سه نکته با یکدیگر همراه شده است: اول شعوبیه، دوم زندقه و سوم موالی. بنابراین به عبارتی می‌توان در همه آثاری که درباره هریک از این سه مفهوم نوشته شده، از دیگری یاد کرد. با وجود این ما کوشش کرده‌ایم تا در حد بحث از شعوبیه کار را دنبال کنیم.

۲- تا پیش از این آثار جدید، درباره ظلم عرب در حق عجم، یا به طور خاص ظلم امویان درباره موالی، مطالب زیادی گفته شده بود. نمونه آن احمد امین است که در این باره بتفصیل سخن گفته است. اما وقتی دیگران احساس کردند پذیرش این امر سبب می‌شود تا به هر حال نوعی مظلومیت برای موالی ایجاد شود، شروع به دفاع از امویان کرده و گفتند که ظلمی در کار نبوده است. به عنوان نمونه دکتر جمیل عبدالله محمد المصری کتابی با عنوان الموالی، موقف الدولة الاموية منهم (عمان، دارم القرى، ۱۴۰۸) نوشته و در آن به شرح و بسط این نکته پرداخته که اساساً نه تنها ظلمی در کار نبوده، که موالی در این دوره کارهای حکومتی فراوانی در دست داشته و از رتبه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند! محمد نبیه حجاب هم با پذیرش اصل تعصب عربی امویان و فشار آنها بر موالی می‌گوید: لکنها لم تصل من الظلم والقسوة الی الحد الذی صورہ لنا أحمد امین.

(مظاهر الشعوبية، ص ۳۶۰).

۳- بسیاری از آثار جدید، آثاری است که در عراق منتشر شده و انگیزه اصلی آن، در درجه اول برخاسته از ایدئولوژی قومگرایی حزب بعث عراق و در درجه بعد ناشی از دشمنیهای تاریخی عراق با ایران است. به همین دلیل کم نیست آثاری که در این زمینه در جریان جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران نوشته شده و دولت متجاوز عراق کوشیده تا با نشر این قبیل آثار، اسلامخواهی مردم مسلمان ایران را به عنوان شعوبیگری جدید بشناساند. نشر اثری چند جلدی با عنوان جاه دور المجوس با همین هدف صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۷ سمیناری درباره شعوبیه برگزار شد که مجموعه مقالات آن در ادامه معرفی خواهد شد. ایضاً در ۱۹۸۹، روزهای ۲۰ تا ۲۳ دسامبر، کنگره‌ای با عنوان الندوة القومية لمواجهة الدس الشعوبی در عراق برگزار شده و مجموعه مقالات آن انتشار یافته است. این تنها گوشه‌ای از اقدامات عراق در این زمینه بوده است.

۴- بسیاری از این نویسندگان، شعوبیه را با تشیع پیوند داده‌اند. این کار به طور عمده با عقاید غلاة شیعه مرتبط گشته است. این اقدام بیشتر از زمانی شایع شده است که اسماعیلیان در ایران در برابر دولت سلجوقی و خلافت عباسی مقاومت کرده و کسانانی چون خواجه نظام الملک، ایرانی شافعی مذهب متعصب، در سیاستنامه کوشیدند تا حرکت آنها را با برخی از جنبشهای شبه مجوسی ایران در قرن دوم و سوم مرتبط نشان دهند. پیوند دادن مجوسگیری با باطنیان بحث زندقه و سپس شعوبیه را مطرح کرده و به گونه‌ای خاص به بحث از شعوبیه و ارتباط آن با تشیع منتهی شد.

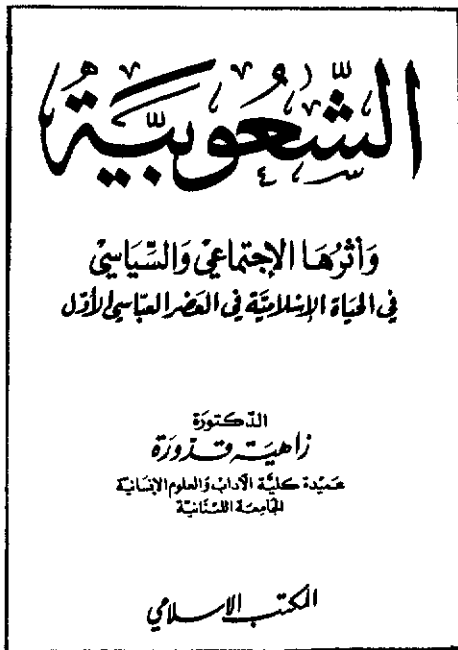
پیش از این از آثار شماری از قمیهای اشعری شیعی در اثبات فضیلت عرب بر عجم سخن گفتیم و اشاره کردیم که نسبت مسئله تسنن و تشیع با شعوبیگری مساوی است. این نکته را هم باید افزود که سید رضی از برجستگان شیعه، به صراحت گرایش ضد شعوبی دارد^{۶۶} و این خود شاهدهی بر مطلب ذکر شده است.

۶۳. همان، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۳۹.

۶۴. تاریخ الادب العربی، عصر الدول والامارات الاندلس، ۴۷۵.

۶۵. البیان المغرب، ۲: ۱۱۴. درباره شورش او در البیان المغرب، ص ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۹ (اظهار نصرانیت کرده)، ۱۴۰ البیان المغرب ۱: ۱۵۳، ۱۸۴-۱۸۵ مطالبی آمده است.

۶۶. الشریف الرضی، دراسات فی ذکراه الالفیه، ص ۱۴۶-۱۴۸ (بغداد)، دار آفاق عربیه، ۱۹۸۵.



برهم زد و با قتل وی به دست یک ایرانی حرکت شعوبیه آغاز گردید. فصل سوم کتاب اشاره بدان دارد که شعوبیه زائیده تحقیر بنی امیه به ایرانیان است. عصبیت امویان سبب انگیزش شعوبیگری در میان ایرانیان شد و آنها را به سمت مشارکت در شورشهای ضد دولتی کشاند. باب دوم کتاب نیز شامل سه فصل است. فصل نخست آن است که پیروزی دولت عباسی پیروزی ایرانیان، البته در یک مرحله؛ زیرا هنوز دولت عربی هویت عربی خود را تا حدود زیادی حفظ کرد. فصل دوم تطور شعوبیگری از «تسویه» به افراط در شعوبیگری است. فصل سوم چگونگی رشد زندقه گری در این مرحله در میان شعوبیه است. باب سوم کتاب درباره آثار اجتماعی جریان شعوبیه است. باب چهارم در آثار سیاسی شعوبیه است در سه فصل. فصل نخست تأثیر سیاسی آن در خلافت. فصل دوم تأثیر سیاسی آن در وزارت و فصل سوم در مناصب دیگر.

۴۲- الجذور التاريخية للشعبوية، عبدالعزيز الدوري، بيروت، دار الطليعة، ۱۹۶۲. کتاب الدوري درآمد آثار بعدی نویسندگان عراقی در زمینه بحث از شعوبیه است آن گونه که تقریباً همه آنها از آن استفاده کرده اند، وی با تعریفی کوتاه از شعوبیه، به بحث از ارتباط اعراب با موالی پرداخته و این نظر را که عربها موالی را تحقیر کرده یا در زمینه های مالی نسبت به آنها سختگیری داشتند، رد کرده است. بنابراین باید سؤال کرد که مشکل موالی چه بود است چرا تنها موالی ایران مشکل داشته اند و گرایش شعوبی در این ناحیه پدید آمده است. یک مسأله مربوط به ۶۷. شوقی ضیف در تاریخ الادب العربي، العصر العباسي الثاني، بحث از «مجون، شعوبیه و زندقه» را در یک باب آورده است!

بنیاد بنا را بر آن نهاده اند که شعوبیه کمترین اعتقادی به دین نداشته اند. دلیل عمده این امر آن است به گمان این نویسندگان، قومیت عربی چنان پیوندی با اسلام خورده که کسی نمی تواند ضد عرب باشد، اما ضد اسلام نباشد. این تصور که در بیشتر موارد برخلاف نصوص تاریخی صریحی است که از دینداری شاعران شعوبی داریم، نشان می دهد که تعصب عربیگری مانع از تحقیق درست در تاریخ این حرکت شده است.

۶- خلط دیگری که در این مباحث صورت گرفته، در آمیختن بحثهای اباحیگری و مجون با شعوبیگری است. ۶۷ به عنوان مثال شاعری مانند بشار بن برد چند بیت شعر سروده که هوای شعوبیگری در آن وجود دارد. همین شاعر صدها بیت سروده که به نحوی با اباحیگری و مجون مربوط می شود. محققان جدیدی که درباره شعوبیه قلم زده اند عمدتاً این گرایش را دلیل بر بی دینی شعوبیان دانسته اند. این در حالی است که بیشتر شاعران آن عصر، اعم از آنکه عرب باشند یا ریشه عجمی داشته باشند، گرفتار این قبیل اشعار در مسائل غیر اخلاقی و مجون بوده اند. توان گفت که هوای شعر عربی در حجمی گسترده در قرون نخستین اسلام در اطراف همین مسائل دور می زند. این مسائل ربطی به زندقه فکری و یا شعوبیگری ندارد، ریشه این بحث را باید در دربار امویان و عباسیان و اشراف آن عصر - که تأمین کننده اصلی مخارج این قبیل شعرا بوده و مجالس عیش و نوش برپا می کرده اند - جستجو کرد. بنابراین نه تنها نباید بحث مجون را با شعوبیگری در آمیخت، بلکه باید زندقه فکری را از زندقه اخلاقی - که بسیاری از مسلمان نمایان عرب، از شاعر و خلیفه و غیره گرفتار آن بوده اند - تفکیک کرد.

اکنون به معرفی شماری از آثار جدیدی که درباره شعوبیه نوشته شده می پردازیم. آثاری را که خود ملاحظه کرده ایم، گزارش مختصری درباره اش داده ایم، اما آنها را که ندیده ایم، تنها مشخصات کتابشناختی آنها را آنچنان که در دسترس بوده آورده ایم.

۴۱- الشعبوية وأثرها الاجتماعي والسياسي في الحياة الإسلامية في العصر العباسي الأول، ۳۴۹ص، زاهية تهريرة، بيروت - دمشق، المكتب الإسلامي، ۱۴۰۸. باب اول کتاب شامل سه فصل است: فصل نخست کتاب به بحث از کلمه شعوبیه و تعریف دقیق آن اختصاص یافته است. فصل دوم از روابط ایرانیان و اعراب از پیش از اسلام تا زمان ظهور اسلام. به عقیده وی اسلام عقیده مساوات را مطرح کرد و همه را برابر ساخت. با فتوحات زمان خلفای نخستین عرب سروری بر فرس یافت. عمر با اصرارش بر اینکه عرب را مبنای دولت اسلامی قرار داد، این تعادل را

کدخدایان ایرانی بوده که به هر روی از نظر مالیاتی که از زمینهای آنها گرفته می شده با حکومت مشکل داشته اند. مشکل دیگر نفوذ غلات در میان ایرانیان بوده که در ادامه مانویان و خرمیان هم به آنها پیوستند. مجموعه اینها سبب انگیزش جریان شعوبی در شرق شده است. فصول کتاب دوری عبارتند از: بدایات الشعوبیه فی العصر الاموی. در این بخش از بشار، زنداقه و غلات سخن گفته شده است. عنوان بعدی تطور الشعوبیه است که با عنوان خردتر آثار الدعوة العباسیه آغاز گردیده است. عنوان بعدی شعوبیه اشراف العجم است که ضمن آن از برامکه، بنی سهل، طاهریان، امارات مستقل فارسی، و افشین سخن گفته شده است. عنوان بعدی شعوبیه الادباء و الکتاب است که ضمن آن از احیاء الثقافة الایرانیة و همزمان تردید در ثقافة العربیه به دست کاتبان ایرانی بحث شده است. بحث بعد الشعوبیه فی الحقل الدینی است که از فرقه های متهم به زنداقه سخن به میان آمده است. عنوان بعد مخطط الشعوبیه الفکری است که در آن نمونه هایی از نظم و نثر شعوبیان شناسانده شده است. برخورد اعراب با این گرایش تحت عنوان وجهه العرب مطرح شده است. در ادامه چند بحث کوتاه آمده: موقف الشعوبیه من القیم العربیه الاسلامیه، ذیول الشعوبیه، نظرة شاملة الى الموضوع. ارجاعات کتاب اندک است و دوری نظیر دیگر آثارش، بیشتر به تحلیل متکی است تا ارائه نص.

۴۳- الزندقة والشعوبية فی العصر العباسی الاول، ۲۱۶ص، حسین عطوان، بیروت، دار الجیل، ۱۹۸۴. این کتاب در دو بخش، یکی الزندقة فی التاریخ و دوم الشعوبیه فی التاریخ (۱۴۷-۲۰۱)، تنظیم شده است. مؤلف در بحث نسبتاً کوتاه خود، که متأثر از الجذور التاریخیه عبدالعزیز دوری است، به معنای شعوبیگری، دلایل پیدایش و رشد شعوبیه، تحقیر شعوبیه نسبت به عرب و تمجید آنها از ایرانیان پرداخته و در پایان از بشار و ابونواس یاد کرده است. وی با آنکه در مقدمه از شعوبیگری نبطیان و مغربیان یاد کرده، اما در ضمن بحث تماماً به ایرانیان پرداخته و در آخر نیز چنین نتیجه گرفته که شعوبیگری حرکتی فرهنگی-تمدنی است به هدف برتری بخشیدن فرس بر عرب.

۴۴- الشعوبیه حركة مضادة للإسلام والامة العربیه، ۲۱۰ص، عبدالله سلوم السامرائی، بغداد، ۱۴۰۱. از نام کتاب آشکارا عربیگری مؤلف و پیوند دادن اسلام با قومیت عربی هویدا است. این اثر در چهار بخش اصلی به بحث از شعوبیه پرداخته و همه چیز را خلط کرده است. بخش نخست: اسباب قیام الحركة الشعوبیه، بخش دوم: مظاهر الشعوبیه، بخش سوم: اسالیب واهداف الحركة الشعوبیه، بخش چهارم: موقف العرب من

الشعوبیه. در بحث از مظاهر الشعوبیه، زنداقه و شعوبیه به عنوان دو مفهوم برابر تصور شده و لذا این بخش به طور کامل به بحث از زنداقه اختصاص یافته است. در صفحه ۱۶۶ بتفصیل از مواضع امام صادق- علیه السلام- در برابر زنداقه و شعوبیه سخن گفته شده و تلویحاً حرکت غلات به عنوان حرکتی برگرفته از زنداقه و شعوبیگری شناسانده شده است. همچنین آثار رد بر غلات به عنوان آثار ضد زنداقه و شعوبی تصور شده است. به نظر می رسد این اثر نیز به مقدار زیادی تحت تأثیر قومیگری نوشته شده و با حاشیه رویهای بیهوده از مبحث اصلی، از ارائه بحثهای دقیق به دور افتاده است. نویسنده بتفصیل از کتاب الجذور التاریخیه دوری استفاده کرده است.

۴۵- مظاهر الشعوبیه فی الادب العربی حتی نهاية القرن الثالث الهجری، ۵۸۰ص، محمدنبیه حجاب، چاپ اول: قاهره، مکتبه نهضة مصر بالفجالة، ۱۹۶۱. این اثر از جمله آثار مفصلی است که به بحث از شعوبیه پرداخته و رساله دکترای مؤلف است. پر حجم شدن کتاب یکی بدین دلیل است که مباحث حاشیه ای فراوانی در آن آمده است. به عنوان مثال از صفحه ۱۴ تا ۹۰ به تاریخ عرب جاهلی پرداخته است! در باب اول نیز که تأثیر شعوبیه در شعر است. بتفصیل درباره موالی سخن گفته شده است. سپس به بحث از شعرا و آثار آنها درباره شعوبیگری پرداخته که گاه بکلی از بحث به دور افتاده است. به عنوان مثال یزید بن زبیه را در شمار شعوبیه آورده که گویا هیچ شاهدهی بر این مطلب وجود ندارد. به هر روی کتاب در سه باب اصلی تنظیم شده است: مظاهر الشعوبیه فی الشعر، مظاهر الشعوبیه فی النثر الادبی، مظاهر الشعوبیه فی الحركة الفکریة.

۴۶- مباحث فی الشعوبیه، مفهومها، طبیعتها، اهدافها، ۲۰۸ص، فاروق عمر، بغداد، ۱۹۸۹. این چاپ به عنوان چاپ جدید همراه اضافات و اصلاحات شناسانده شده است. این کتاب که در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نوشته شده، از بحث شعوبیه بر ضد ایران بهره برده و فصل آخر آن تحت عنوان حول طبیعة الحركة الخمينية به تطبیق شعوبیگری جدید بر قدیم پرداخته است. این اثر همانند آثار دیگر مؤلف از اعتبار علمی برخوردار نیست و این امر به خوبی از ارجاعات محدود و ناقص کتاب هویدا است. جالب است که در این قبیل آثار به هیچ عنوان به شعوبیگری در مغرب اسلامی اشاره نشده است. برخی از مباحث عبارتند از: التناقض بین النزعة الشعوبیه والنزعة العربیه الاسلامیه، الشعوبیه وتشویه التاریخ العربی الاسلامی، الابعاد الشعوبیه للحركات الدینیة الفارسیة فی العصر العباسی، الحشیشیة نموذج للارهاب الفارسی الشعوبی، دراسة مقارنة بین

است. وی تحت تأثیر فجر الاسلام وضحی الاسلام احمد امین به اهمیت این موضوع واقف شده و خواسته است تا کتابی مستقل در این باره بنگارد. در نگاه وی، اسلام از عرب تفکیک می‌شود، این امری است که عرب‌های قومگرا به هیچ روی حاضر به پذیرش آن نبوده‌اند. بحث مؤلف از موالی آغاز شده و به نهضت‌های ایرانیان علیه سلطه اعراب می‌انجامد. وی از آثار ادبی شعوبیه یاد کرده و تقریباً می‌توان گفت که بیشتر آنچه را در متون درباره شعوبیه بوده، دیده است. کتاب مزبور از نظم منطقی برخوردار نیست.

۵۱- نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، ۳۹۰ص، حسینعلی ممتحن، چاپ دوم: تهران، باورداران، ۶۸۱۳. این اثر یکی از دو کتاب مستقلاً است که در فارسی درباره شعوبیه نوشته شده و البته مفصلتر و جامعتر از کتاب پیشین است. مؤلف این اثر برای بحث اصلی خود مقدمات فراوانی آورده است. ابتدا دین اسلام و مبادی آن، فتوحات اسلامی (تا صفحه ۱۱۳)، پس از آن بردگی و بحث از موالی (تا صفحه ۱۸۵)، آورده شده و آنگاه فصل سیزدهم کتاب به بحث از کلمه شعوبیه و وجه اشتقاق از آن اختصاص یافته است. در ادامه از مظاهر شعوبیه، مشاهیر شعرای شعوبیه، مشاهیر مؤلفان شعوبیه، مشاهیر متعصبان عرب و شعوبیان، تأثیرات سیاسی نهضت شعوبیه و تأثیرات اجتماعی شعوبیه بحث شده است. این اثر با تفصیل تمام نوشته شده و تقریباً بیشتر آنچه در متون درباره شعوبیه وجود داشته در آن آمده است. نگرش حاکم بر کتاب دفاع از

النزعة العربية والنزعة الفارسية الشعبوية، حول مفاهيم سياسية هامة، الارهاب والتخريب في التراث الفارسي الشعبوي. الموروث المجوسي والباطني في الدعوة الجديدة في ايران.

۴۷- الفكر العربي في مجابهة الشعبوية، ۴۸ص، فاروق عمر الغوزي، بغداد، ۱۹۸۸. اثری است کوتاه از سلسله الموسوعة التاريخية الميسرة. در این اثر نیز مؤلف تحت تأثیر قومگرایی ضد ایرانی حزب بعث عراق قرار داشته و شعوبیه را هم از همین زاویه نگریسته است. مؤلف در مقدمه نوشته است: وليست الحركة الخمينية بنت الساعة، وانما هي المولود الشرعي لكل الارث المجوسي العنصري الباطني في بلاد فارس. این قبیل مزخرف گویی ویژه دست پروردگان حزب منحط بعث عراق است که مهمترین خصیصه آن ضدیت با اسلام است. فصول کتاب عبارتند از: مفهوم العروبة و مفهوم الشعبوية، التناقض بين الرؤية الشعبوية والرؤية العربية الاسلامية.

۴۸- الشعبوية وادوارها التاريخية في العالم العربي، ۹۲ص، عبدالصاحب الدجيلي، نجف، مطبعة القضاء، ۱۹۶۰. این چاپ به عنوان چاپ دوم با اضافات و اصلاحات شناسانده شده است. گویا چاپ اول آن مقالاتی بوده که در مجله عالم الغد در سال ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ چاپ شده است. چند بحث این کتاب عبارت است از: مؤلفات الشعبوية، نقض المؤلفات الشعبوية، شعراء الشعبوية. مؤلف مهمترین نکات تاریخی و ادبی مربوط به شعوبیه را در این کتاب مختصر خود آورده و البته نگرش حاکم بر این کتاب نیز قومگرایی افراطی است؛ نگرشی که خطر شعوبیه را بسیار بیش از آنچه بوده تصور کرده و سبب شده تا از اساس منکر دینداری چهارگان شعوبیه شود.

۴۹- طبيعة الحركة الشعبوية، فاروق عمر. این مقاله در کتاب التاريخ الاسلامي والقرن العشرين (بیروت، مؤسسة المطبوعات العربية، ۱۴۰۰) ص ۱۴۳-۱۷۹ چاپ شده است. این گفتار نقد مقاله‌ای در اسسه فی الشعبوية از دکتر حسین قاسم العزیز است. مهمترین مباحث آن عبارتند از: مفهوم العروبة، طبيعة الشعبوية، الشعبوية والعرب القدماء، تکنیک الشعبوي، العلاقة بين العرب والموالي، الشعبوية في العصر العباسي، آراء جولد تيسهر، فشل الشعبوية. گفتنی است که در این کتاب مقاله‌ای نیز درباره زندگی زنده‌آمده است.

۵۰- شعوبیه، ۱۴۳ص، جلال‌الدین همایی، به کوشش منوچهر قدسی، اصفهان، انتشارات صائب، ۱۳۶۳. این کتاب مجموعه چند مقاله مؤلف است که در سال دوم مجله مهر به چاپ رسیده است. نگرش حاکم بر این کتاب، جانبداری از حرکت شعوبیه و دفاع از اقدام آنها در بین سلطه و سیادت اعراب بر ایرانیان

نهضت شعوبیه

جنبش ملی ایرانیان در برابر
خلافت اموی و عباسی

تأليف دكتور حسينعلي ممتحن

مؤسسة انتشارات باورداران

۱۳۶۸



برخورد امام خمینی با دین چنین سخن گفته که در ایران قرآن محرف با سوره‌ها و آیاتی دیگر چاپ و منتشر شده است (ص ۱۲۷) و از این قبیل ترهات و مزخرفات.

د: **الشعوبية وأثرها في اللغة والأدب**، ص ۱۴۸-۲۰۸، علاء‌الدین هاشم الخفاجی. این گفتار نیز مروری است بر اشعار شعوبیان که تقریباً همه کسانی که به نحوی درباره شعوبیه نوشته‌اند، مهمترین مستندشان همین اشعار است. در اصل در باره این حرکت - که این قدر آن را بزرگ کرده‌اند - چیزی جز این اشعار باقی نمانده است؛ آن هم شاعرانی که از برجسته‌ترین شاعرانی هستند که اعراب به شعر آنها افتخار می‌کنند؛ مثل بشار بن برد و ابونواس. و این در حالی است که از همین شعرها دهها بیت شعر در تمجید از عرب یا اشخاصی از عرب حکایت شده است. (ص ۲۲۱).

۵۳- **ابن قتیبة والشعوبية**، ص ۳۴۳، عبدالله الجبوری، بغداد، دار الشؤون الثقافية العامة، ۱۹۹۰. این کتاب در اصل درباره



ابن قتیبه نوشته شده و از آنجا که ابن قتیبه نقش مهمی در رد بر شعوبیه دارد، بخشی از کتاب نیز به تلاشهای او در این زمینه اختصاص یافته است. فصل نخست درباره زندگی ابن قتیبه، فصل دوم درباره حیات فرهنگی و نقش ابن قتیبه در آن، فصل سوم تألیفات ابن قتیبه، فصل چهارم درباره تلاشهای ابن قتیبه در دانش لغت و فصل پنجم (از ص ۲۴۷ تا ۲۷۷) در باره ابن قتیبه و شعوبیه است. در ادامه (ص ۲۸۰-۳۱۹) رساله ابن قتیبه با عنوان **فضل العرب والتنبیه علی علومها** به چاپ رسیده است.

۵۴- **الشعوبية عدو العرب الأول**، ص ۱۵۹، خیرالله طلفاح،

شعوبیانی است که اهل تسویه بوده و دین اسلام را پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد که مؤلف این اثر نیز به دلایل خاص خود در بزرگ نشان دادن حرکت شعوبیه افراط کرده است. چنانکه از کتابنامه این کتاب برمی‌آید، مؤلف از آثار مستقلی که درباره شعوبیه نگاشته آمده، تنها الجذور التاريخية للشعوبية لعبدالعزیز الدوری را دیده است.

۵۲- **الشعوبية ودورها التخريسي في الفكر العربي الاسلامي** ۲۲۲ ص، **مجموعه مقالات**، بغداد، منشورات منظمة المؤتمر الاسلامي الشعبي، ۱۴۰۸. این مجموعه مقالات مربوط به سمیناری است که به همین مناسبت در عراق، در زمان جنگ تحمیلی برگزار شده است. برگزارکننده آن نیز وزارت اوقاف و شؤون دینی عراق به ریاست عبدالله فاضل عباس بوده است. مجموعه مزبور حاوی چند مقاله است:

الف: **اضواء علی الحركة الشعوبية**، ص ۶-۱۱، صبحی محمد جمیل. مؤلف در ابتدا از پیدایش شعوبیه قرن بیستم در قالب دعوات الفارسیة والصهبونیه سخن گفته است. بعد از آن معركة القادسیة را با معركة صدام حسین مقایسه کرده است.

ب: **البعث التاريخي للحركة الشعوبية**، طالب جاسم الحسن، ص ۱۲-۳۳. این مقاله مروری است بر شکل گیری قدرت دولت عربی و مخالف موالی با سیادت اعراب و توضیح چگونگی پیدایش حرکت شعوبیه از پنهانکاری زمان امویان تا حرکت آشکار آنها در زمان عباسیان بر اساس احیای تمدن فارسی. نویسنده تحت تأثیر کتاب الجذور التاريخية و آثار فاروق عمر است. بر این مقاله تعقیبی از سوی نظلة احمد نائل الجبوری در چند صفحه چاپ شده که تکمله و توضیحی است بر مقاله جاسم الحسن. وی نگارش آثار متأخر را درباره شعوبیه برای آگاهی اعراب در برابر حرکات مشابه مهم دانسته و درگیری میان شعوبیه و عرب قدیم را در حال حاضر در جنگ ایران و عراق می‌داند: **لمعركتنا الحالية مع الخميني العجم**. او می‌افزاید که هدف برگزاری این کنگره نیز روشن کردن همین امر بوده است.

ج: **الفرق والحركات الشعوبية، المنطلقات والاهداف والوسائل**، ص ۵۰-۱۴۲، نظلة احمد نائل الجبوری. این گفتار مفصل، بیشترین بحث خود را به بحث از غلو و فرقه‌های غالی شیعه اختصاص داده و کار را تا مذهب بهائیت دنبال کرده است. آنگاه به روشهای مورد استفاده در تحریف دین توسط شعوبیان اشاره شده و ششمین نکته آن این است: **الخمينية ظاهرة شعوبية معاصرة**. مطالعه آن نشان می‌دهد که قلب نویسنده مملو از کینه بوده و بدون هیچگونه تحقیقی اوراق را سیاه کرده است. مثلاً از

محمد مختار، موصل، مکتبه بسام. این اثر مانند دیگر آثار تبلیغی دوره حاکمیت صدام در برابر ایران اسلامی، بر پایه اندیشه وصل کردن انقلاب اسلامی ایران به حرکات شعوبیگری نوشته شده است. گفتنی است که کتاب در آغاز به کشتگان قادیسیه صدام اهدا شده است! مؤلف از حرکت راوندیه آغاز کرده و گرایش‌هایی مانند خرمیه، مازیاریه، حشاشین، مانویه، نصیری، جبری، معتزله، برامکه، زنادقه، سبیه، ماسونیه، بهائیه، قادیانیه و شعوبیه را به یکدیگر ارتباط داده است! از ارتباط دادن این فرق با شعوبیه روشن است که سخن مؤلف تا چه پایه از ارزش علمی برخوردار است. آخرین فصل کتاب هم درباره انقلاب اسلامی یا به قول نویسنده بحث از الحركة الخمیة است.

۵۷- الشعوبية، جولد تیسهر، ترجمه عرفان عبدالحمید فتاح، (نک: کتابنامه الشعوبیه و دورها التخریبی فی مجال العقیده الاسلامیة، ص ۲۴۵)، به عنوان بعدی نگاه کنید.

۵۸- اسلام در ایران: شعوبیه، نهضت مقاومت ملی ایران علیه امویان و عباسیان، تألیف: د. ر. ناث، گلدزیهر، ترجمه و تحقیق و تألیف محمد حسین عضدانلو، محمود افتخارزاده، ناشر: ۱۳۷۱. این کتاب مجموعه‌ای از چند گفتار درباره حرکت شعوبیه است. در آغاز مقاله‌ای از دکتر ر. ناث ترجمه شده با عنوان اسلام در ایران که ارتباط غیر مستقیم با بحث شعوبیه دارد. در تعلیقات این مقاله بحث‌هایی در ارتباط با شعوبیگری و شیعه آمده و ارتباط تشیع و ایران بحث شده است. مقاله دوم رساله‌ای است که گلدزیهر درباره شعوبیه نوشته است. این همان است که متن عربی آن را در عنوان پیشین آوردیم. این مقاله از نخستین مقالاتی است که در زبانهای اروپایی در این باره نوشته شده است. در ادامه این رساله، رساله‌ای با عنوان شعوبیه، نهضت مقاومت ملی ایران علیه امویان و عباسیان از محمود افتخارزاده آمده که به بحث از افکار و اندیشه‌های شعوبیه و آثار ادبی و شعرای شعوبی مسلک پرداخته است. در این بحث، همان طور که از عنوان به دست می‌آید، هوادارهایی از شعوبیه شده، گرچه اشاراتی به افکار انحرافی آنها نیز شده است. سرجمع کتاب سودمندی است، گرچه به دلیل آشفتگی در اظهارنظرها، پیدا کردن دیدگاههای تنظیم کننده دشوار است.

۵۹- الزندقة والشعوبية وانتصار الاسلام والعروبة هلیهما، سمیره مختار اللیثی، قاهره، المطبعة الفنية الحديثة، ۱۹۶۸. مؤلف در سرتاسر این اثر اسلام و عرب را در یک سو و زندقه و شعوبیه و ایرانی را در برابر آن می‌نهد. باب اول عوامل ظهور تیارات

بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۷۲. نویسنده که از وابستگان صدام حسین است، در دو فصل کتاب خود را تنظیم کرده است. در فصل نخست با عنوان الشعوبية القديمة، مؤلف قتل عمر، عثمان، علی-علیه السلام- امین (برادر مأمون) و مستعصم عباسی را ناشی از حرکت شعوبیه دانسته است. بعد از آن به بیان حرکت بابک، مازیار و سپس به بیان شورش زنگیان و حرکت اسماعیلیه پرداخته و همه اینها به عنوان حرکت شعوبیه مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه غلات شیعه و فرقه‌های آن نیز از مصادیق همین حرکت دانسته شده است. فصل دوم الشعوبية الجديدة است شامل حکومت ترکان، مغولان و ترکان عثمانی تا زمانی که مجدداً عرب از استعمار ترکی آزاد شده است. از نگاه وی حرکت قبطیگری برخی از مصریان و جنبشهایی که حرکت قومی عرب را محدود می‌کنند، شعوبیه جدید هستند. کتاب فاقد ارجاعات جدی و بیشتر حزبی نوشته شده است.

۵۵- الشعوبية و دورها التخریبی فی مجال العقیده الاسلامیة، ۲۶۸ص، حسن حمید هیید الفرباوی، بغداد، دار الشؤون الثقافية العامة، ۱۹۹۳. این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است: فصل نخست تاریخ شعوبیه، فصل دوم عقاید شعوبیه و پیوند آن با باطنیه. در این فصل بتفصیل درباره فرقه باطنیه، غلات و فرقه‌های وابسته و نیز بهائیت سخن گفته شده است. فصل سوم

الشعوبية ودورها التخريبي في مجال العقيدة الاسلامية

حسن حميد هيب الفرباوي

روشهای شعوبیه و فصل چهارم اهداف شعوبیه. در این فصل به تلاش شعوبیه در بین بردن دین، از قبیل نماز، روزه و همچنین تحریف قرآن سخن گفته شده است. این اثر نیز مانند دیگر آثار نشر شده در بغداد، همان بینش انحرافی ضد شیعی و ضد ایرانی را دنبال کرده و کینه توزی سیاسی مانع از اندیشیدن درست درباره این حرکت و دامنه آن شده است.

۵۶- اضواء علی حرکات التسلل الشعوبی، ۱۲۸ص، احمد

- ۶۸- الموالی وحرکة الشعوبية، این گفتار، فصلی است کوتاه از کتاب الموالی ونظام الولاة من الجاهلية الى اواخر العصر الاموی (۲۸۲-۲۸۴)، از محمود المقداد، دمشق، دارالفکر المعاصر، ۱۴۰۸.
- گفتنی است که کتاب دیگری با عنوان وضع الموالی فی الدولة الاموية از عبدالعزيز محمد اللمیلم (بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴) و کتاب دیگری با عنوان الموالی فی العصر الاموی از محمد طیب النجار (دارالنیل للطباعة، ۱۳۶۸ق) و کتابی با عنوان الصراع بين العرب والموالی از محمد بدیع شریف (قاهره، دارالکتاب العربی، ۱۹۵۴) موجود است که گرچه فصل ویژه ای برای شعوبیه ندارد، اما زمینه های اجتماعی و فکری این حرکت را در قالب بحث از موالی مطرح کرده است.
- ۶۹- مشکلة الموالی ورقة خاسرة بيد الشعوبية، فاروق عمر، من بحوث الندوة القومية لمواجهة الدس الشعوبی، بغداد، ۱۹۸۹، دارالحرية للطباعة، ۱۴۱۰. از عنوان مقاله آشکار است که مؤلف نمی خواهد ظلمی را که امویان درباره موالی داشته و شعوبیه آن را مطرح کرده اند، بپذیرد.
- ۷۰- الدس الشعوبی فی السنة، محمد مبارک، من بحوث الندوة القومية لمواجهة الدس الشعوبی، بغداد، دارالحرية للطباعة.
- ۷۱- التيارات الملتهبة بين العرب والفرس، احمد محمد الخوفی.^{۶۹}
- ۷۲- مقالات فی اثر الشعوبية فی الادب العربی وتاریخه، نعمة رحيم الغراوی.^{۷۰}
- ۷۳- الدس الشعوبی علی تاریخ صدر الاسلام والخلافتین الراشدية والاموية، محمد جاسم المشهدانی. مجله المورخ العربی، ش ۴۹، سال ۱۴۱۴، ص ۱۱۵-۱۳۶. این مقاله، نوشته ای تبلیغاتی و در راستای اهداف حزب بعث عراق برضد ایران و جریان تشیع است. جالب آن است که در این گفتار، کمترین نگرشی بر جریان فکری شعوبیه نشده، بلکه کوشش شده تا هر نوع انتقادی به خلفای نخستین و اموی به عنوان شعوبیگری شناخته شود. فصلهای این مقال عبارتند از: الدس الشعوبی علی مصادر التاريخ العربی، الدس الشعوبی علی المادة التاريخية: الف: الدس الشعوبی علی القرآن الکریم، ب: الدس الشعوبی علی السنة النبوية، ج: الدس الشعوبی علی

- الزندقة والشعوبية است. در ابتدا بحث از زندقه، ریشه لغوی و اشارتی به ارتباط آن با مجوس و شعوبیه است. از نظر او همه اینها برابرند و غیر قابل تفکیک، این همان عنوانی است که وی بر کتاب خود انتخاب کرده است. در فصل بعد از ریشه های زندقه و شعوبیگری در دوره اموی سخن می گوید، در آنجا غلو مختار (به عقیده وی) با مجوسیت که مظهر ادب فارسی است و زندقه که انکار دین است همه با هم پیوند خورده است. در فصل بعد از تأثیر دعوت عباسیان در بروز ادب شعوبی و زندقه سخن گفته شده است. عنوان فصل بعد چنین است: العقائد المجوسية كاساس للزندقة والشعوبية. باب دوم درباره جنبش سیاسی زندقه و شعوبیه در قالب حرکت ابو مسلم، راوندیة، مقنع، بابک و مازیار و افشین است. بخش عمده این قسمت تاریخ این شورشهاست. باب سوم مظاهر الصراع بين الاسلام والعروبة و تيارات الزندقة والشعوبية است. در این باب از درگیری سیاسی، دینی، اجتماعی و فکری میان عرب مسلمان با زندیقان و شعوبیان بحث شده است. در باب چهارم از چگونگی پیروزی اسلام و عربیگری بر شعوبیه و زندقه سخن گفته شده است. این کتاب نمونه روش غلبه نگرش عربیگری بر تفکر معاصر عربی است آن گونه که اسلام هم را به خدمت آن در آورده است. در این اثر از اساس مهم ایرانیان در فرهنگ و تمدن اسلامی غفلت شده و پرده ای از تعصب عربیگری چشم و عقل مؤلف را از دین و واقعات پوشانده است.
- ۶۰- الشعوبية، نشأتها وتطورها، نزار عبداللطيف الحديثی وسعيد عبداللطيف الحديثی، بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة، ۱۹۹۰.
- ۶۱- الرد علی الشعوبية ونقض مطالب العرب لابن کلبی، محمد بهجه اثری. (گویا این کتاب به چاپ نرسیده است. ۶۸)
- ۶۲- الشعوبية فی الادب المعاصر، انور جندی، قاهره، دار الاعتصام.
- ۶۳- الشعوبية والقومية العربية، عبدالهادی الفکیکی، بیروت، مطبعة دارالکتب، ۱۹۶۱.
- ۶۴- العروبة والشعوبيات المعاصرة، محمد جمیل بیهم، بیروت، ۱۹۵۷.
- ۶۵- المجتمع العربی ومناهضة الشعوبية، العدوی، القاهرة، ۱۹۶۱.
- ۶۶- الشعوبية وابدایات الشعر الكلاسیکی الفارسی، انگلیسی و منتشر نشده، دکتر فاروق عمر در صفحه ۱۹ کتاب مباحث فی الشعوبية... به آن ارجاع داده است.
- ۶۷- بدييات ظهور الشعوبية، این گفتار، فصلی است از کتاب الاوضاع الاجتماعية والاقتصادية للموالی فی صدر الاسلام (۲۰۵-۲۱۴) از جمال جودة، عمان، دارالبشیر، ۱۴۰۹.

کتاب تفصیل العرب ابن قتیبه را در رد بر شعوبیه آورده است. بعد از آن بخشی دیگر را به عنوان رد الشعوبیه علی ابن قتیبه آورده است. سخن شعوبیان درباره نکاحهای جاهلی و نادرستی آنها و پاسخ به آن را نقل کرده و در انتها مجمل القول فی جمیع ما قالته الشعوبیه فی العرب. در بحث نگاهی هم به سوابق عرب جاهلی در علم دارد.

۸۱- الشعوبیه (فصلی از کتاب ضحی الاسلام احمد امین، ج ۱، ص ۴۹-۷۸، بیروت، دارالکتاب العربی). احمد امین از نخستین کسانی است که در دنیای عرب بحث از شعوبیه را مطرح کرد. وی می گوید سه گرایش در دنیای اسلام پدید آمد: نخست آنکه عرب را افضل امتها دانست، دوم آنکه همه را مساوی می دید و سوم آنکه عرب را تحقیر می کرد. احمد امین گروه دوم را سزاوار آن دانسته که شعوبی خوانده شوند؛ چون در عقد الفرید شعوبیه به اهل التسویه تعریف شده اند. البته شعوبیان گروههای مختلفی هستند در میان افراط و اعتدال. وی پس از آن مروری بر ادبیات شعوبی و مؤلفات شعوبیان کرده است. این بحث با کوتاهی آن از بحثهای بالنسبه خوبی است که در این زمینه شده است.

۸۲- المعجون والشعوبیه والزندقه، (فصلی از کتاب تاریخ الادب العربی، العصر العباسی الثانی، شوقی ضیف، ص ۹۱-۱۰۴). همان گونه که از این عنوان به دست می آید، مؤلف اباحیگری، شعوبیگری و زندقه گری را همراه هم آورده است. این تحلیل کهنه، اما به مقدار زیادی بی پایه است. از مؤلف با وجود داشتن آثار خوب تاریخی این بحث سست و ضعیف بسادگی قابل بخشودن نیست.

۸۳- الشعوبیه، فصلی از کتاب الثقافات الاجنبیه فی العصر العباسی، صالح آدم بیلو، مکه، ۱۴۰۸، ص ۱۷۵-۲۱۱. مؤلف از ظلم عرب در حق موالی یاد کرده و حرکت شعوبیگری را واکنش در مقابل اذیت اعراب، بویژه دولت اموی، دانسته است. حرکت موالی بر اساس نگرش تسویه بوده و بسیاری از منادیان این اندیشه خالصانه این عقیده را اظهار می کردند. بعدها نگرش برخی از شعوبیان به تعصب عجمی کشیده شده است. اینجاست که اندک اندک میان شعوبیگری و زندقه پیوند خورده است. مؤلف سپس به بحث از تأثیر شعوبیان در ادب عربی پرداخته است.



۷۱. اصل این مقاله را گلدزیه به سمنار مستشرقان آلمانی که در اکتبر سال ۱۸۹۹ برگزار شده، تقدیم کرده و پس از آن در مجله الجمعیه الالمانیة الشرقیة، ج ۵۳، ص ۶۰۱-۶۲۰، سال ۱۸۹۹ چاپ شده است.

مسأله انتخاب الخلفاء الراشدين، د: الدس الشعوبی علی الصحابة وابتائهم، ه: الدس الشعوبی علی الخلافة الامویة.

۷۴- مسالك الدس الشعوبی فی الحیاة الاجتماعیه والمثل الاخلاقیة، حسن فاضل زعین، مجله المورخ العربی، ش ۴۳، سال ۱۴۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۱.

این مقاله نیز باید در امتداد حرکت قومیگری معاصر در عراق، بویژه در برابر ایران اسلامی، تلقی شود. فصول آن عبارتند از: قیم العرب ومثلهم قبل الإسلام، قیم العرب ومثلهم فی الإسلام، موقف الفرس من قیم العربیه و الاسلام، أسالیب التسلسل الشعوبی الی المجتمع العربی، أسالیب الدس الشعوبی وأهدافه: الف: الطعن بالانساب العربیه، ب: تشویه الثقافه العربیه، ج: ذم قیم العربیه وتشویهها، د: المجاهره بالخلاعة والمجون وتزین ممارستها، ه: اشاعة التغزل بالمذکر والمؤنث.

۷۵- دراسة فی الشعوبیه، حسین قاسم العزیز، مجله الثقافیة الجدیدة، ش ۸۱، ص ۶۵-۸۸، بغداد، ۱۹۷۶. گویا مبنای نگرش این مقاله از لحاظ فلسفه تاریخ بر پایه ماتریالیسم تاریخی است. عمر فاروق نقدی بر این مقاله نوشته است که در همین مقاله آن را معرفی کرده ایم.

۷۶- الشعوبیه، محمد حامد الطائی، مجله التریبیه الاسلامیه، بغداد، السنة السابعه، ع/ ۱ شعبان ۱۳۸۴.

۷۷- الشعوبیه فی القرنین الثانی والثالث الهجری، عبدالحسین الحلی، مجله الاعتدال، س ۳، ص ۲۶۴-۲۶۱.

۷۸- الشعوبیه والشعوبیون و افکارهم، محمد نوری العباسی، مجله آفاق عربیه، ش ۱۰، سال ۱۹۸۳.

۷۹- الشعوبیه عند مسلمی اسپانیا، گلدزیه، خلاصه آن در نوادر المخطوطات، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۴۴ آمده است.^{۷۱} وی در این گفتار اشاره به نزدهای مختلفی کرده که در آن دیار زندگی می کردند و طبعاً رقابتهایی با یکدیگر داشته اند. به نظر او کتاب: کتاب الاستظهار والمغالبة علی من انکر فضل الصقالبه

نخستین کتابی بوده که در ادب شعوبیگری نگاشته شده است. به نظر گلدزیه ضعف دولت عربی در اندلس سبب رشد افکار شعوبیگری شده که مهمترین ظهور آن در رساله ابن غرسیه است. گلدزیه بر این باور است که ابن غرسیه مواد بحث را از شعوبیان مشرق گرفته و آنها را در قالبی ادیبانه بیان کرده است.

۸۰- مذهب الشعوبیه فی العرب وابطاله (بخشی از کتاب بلوغ الارب آلوسی، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۸۴). بیروت، دارالکتب العلمیه. وی در این مقاله اشارتی به پیشینه شعوبیگری و شناساندن برخی از چهره های شعوبیه دارد. آنگاه بحثی با عنوان شبهات شعوبیه و ابطال آنها مطرح کرده است. سپس بخشی از